حدیث داستان بریره و شوهرش

از ابن عباس رضی الله عنهما در داستان بریره و شوهرش روایت است که می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم به بریره فرمود: «لو رَاجَعْتِهِ؟»: «چه می شود اگر نزدش بازگردی (و با او زندگی کنی)؟» بریره می گوید: ای رسول خدا، آیا به من دستور می دهید (که اگر فرمان شماست، اجرا کنم)؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «إِنَّما أَشْفعُ»: «خیر؛ فقط سفارش و میانجی گری می کنم». این بود که بریره گفت: من نیازی به او ندارم.

[صحیح است] [به روایت بخاری]

شوهر بریره برده ای بود که به وی مغیث گفته می شد. بریره رضی الله عنها قبل از اینکه عایشه رضی الله عنها او را بخرد، خدمتکار ایشان بود؛ وقتی که او را آزاد کرد و پس از آزادی مختار بود که با مغیث بماند یا از او جدا شود، بریره از وی جدا شد. بعد از این شکست خانوادگی، مغیث رضی الله عنه در کوچه ها و راه های مدینه گریه کنان و درحالی که اشک هایش از ریشش می چکید، پشت سر بریره رضی الله عنها حرکت می کرد؛ چراکه او را بسیار دوست داشت تا شاید از تصمیم خود منصرف شود و به ادامه ی زندگی با مغیث بازگردد. این بود که رسول الله صلی الله علیه وسلم به بریره رضی الله عنها فرمود: «اگر نزد وی بازگردی و ادامه ی زندگی دهی، برای تو ثواب خواهد داشت». بریره رضی الله عنها گفت: ای رسول خدا، آیا به من دستور می دهید که نزد وی بازگردم و با او زندگی کنم؛ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: من فقط برای او میانجی گری می کنم. بنابراین بریره رضی الله عنها گفت: تمایلی به بازگشت نزد او ندارم و مرا با او کاری نیست.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/3741